

نگاهی تطبیقی به بازتاب گزاره‌های اخلاقی علوی در اشعار صفی‌الدین الحلی و ابن‌یمین فریومدی (بر اساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت)

فرشته صفاری^۱ (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری)
سید مهدی نوری کیزقانی^۲ (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری)

DOI: [10.22034/jilr.2025.141712.1181](https://doi.org/10.22034/jilr.2025.141712.1181)



تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۷/۱۱

تاریخ القبول: ۲۰۲۵/۰۲/۲۷

صفحات: ۳۰۱-۳۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

چکیده

پرداختن به اخلاق یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین رسالت‌های انبیا به ویژه پیامبر خاتم (ص) بوده‌است تا آن‌جا که دلیل بعثت ایشان به فرموده‌ی خود آن حضرت تکمیل مکارم اخلاق در جامعه‌ی بشری و ابلاغ فرامین مهم الهی در میان مردم بوده‌است. آموزه‌های اخلاقی پیشوایان دین به طرق مختلف بر مردم عرضه شده‌است؛ بی‌شک یکی از منابع فرهنگی یک جامعه ادبیات آن است و این تعالیم گرانسنگ به متون مختلف ادبی نیز راه یافته، به گونه‌ای که گاه سنگ بنای بسیاری از متون ارزشمند تعلیمی و ادبی همین آیات و احادیث گرانسنگ بوده‌است. بخش اعظم سخنان امام علی (ع) به تبیین آموزه‌های اخلاقی در عرصه‌های فردی و اجتماعی اختصاص دارد که الهام‌گر اندیشمندان، ادیبان و شاعران در دوره‌های مختلف شده‌است. یکی از نظریات مهمی که نسبت به وابستگی و تداخل متون در یکدیگر نگاهی ویژه داشته‌است، بینامتنیت است که در گذر زمان و پس از عبور از ساختارگرایی به پساساختارگرایی با تحولات عمیقی همراه بوده‌است. ما در این پژوهش که با روش توصیفی- تطبیقی انجام پذیرفته با اتکا به نظریه‌ی بینامتنیت ژرار ژنت به بررسی و تحلیل اخلاق علوی در شعر دو شاعر عرب و پارسی «صفی‌الدین حلی» و «ابن‌یمین فریومدی» پرداخته‌ایم. برآیند پژوهش حاکی از تأثیرپذیری دو شاعر از گزاره‌های اخلاقی مشترک است. به لحاظ نوع تأثیرپذیری اشعار از کلام علوی، با انواع گوناگونی از بینامتنی چون واژگانی، گزاره‌ای، تصویری، گزارشی، تلمیحی، الهامی- بنیادی، چند سویه و ... مواجه هستیم و در این میان اثرپذیری الهامی- بنیادی از بسامد بیشتری برخوردار است.

کلید واژگان: ارزش‌های اخلاقی، سخنان امام علی (ع)، صفی‌الدین الحلی، ابن‌یمین فریومدی، نظریه ژرار ژنت

^۱ پست الکترونیک: fe_saffari@yahoo.com

^۲ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: sm.nori@hsu.ac.ir

نظرة تطبيقية الى المضامين الأخلاقية للكلام العلوي في شعر صفی‌الدین الحلّی وابن یمین فریومدی (بناء على نظرية التناص لجيرار جينيت)

الملخص

من أهم وظائف الأنبياء، خاصة النبي الخاتم (ص)، التطرق إلى مكارم الأخلاق؛ بحيث إن هذا النبي الكريم قال : بُعثت لأتمم مكارم الأخلاق. التعاليم الأخلاقية لأئمة الدين قد عرضت للناس بالطرق المتعددة ولا شك أن الأدب من أهم المصادر الثقافية في المجتمع وجديرٌ بالذكر أن هذه التعاليم قد برزت في الآثار الأدبية حيث نرى في بعض الأحيان أنَّ هذه الآيات والأحاديث الثمينة تُعدّ حجر الأساس لتكوين الأعمال التعليمية الشهيرة. وقد اختص قسم عظيم من كلام الإمام علي (ع) بالموضوعات الأخلاقية الهامة في الساحات الفردية أو الاجتماعية وقد أصبح كمصدر هام لمُلهم للشعراء والكتاب في الأزمنة المختلفة. إحدى النظريات الهامة المرتبطة بتداخل النصوص بعضها في بعض هي النظرية التناص والتي قد تواجّهت التطورات العميقة عبر اجتيازها من النبوية إلى ما بعدها بين الأدباء والمفكرين. في هذا البحث نحن بأسلوب وصفي وتحليلي وعلى أساس نظرية «جينت» تطرقنا إلى بعض المضامين الأخلاقية المشتركة في قصائد الشعراء العرب والإيراني وهما «صفی‌الدین الحلّی» و«ابن یمین فریومدی». وتدّل النتائج على تأثر الشعراء بالمضامين الأخلاقية المشتركة ونحن نرى أنواع مختلفة من التناص في شعرهما منها: اللفظي والإسنادي والتصويري والحكائي والتلمیحي والإلهامي الأساسي ومتعدد الجانِب وغيرها؛ ونرى كمية التناص الإلهامي الأساسي أكثر من سائر أنواع التناص.

الكلمات المفتاحية: القيم الأخلاقية، كلمات الإمام علي (ع)، صفی‌الدین الحلّی، ابن یمین فریومدی، نظرية

جينت

مقدمه

سیره پیشوایان دین و آموزه‌های الهی کلام ایشان، سرشار از نکاتی پندآموز و راه‌گشا است که اهل هنر و ادب در خلق گونه‌های مختلف ادبی از آن‌ها بهره فراوان جست‌اند؛ جلوه‌های این تأثیرپذیری در ادوار و اقوام گوناگون با نام‌ها و عناوین مختلفی نام‌گذاری شده‌است و همین اختلافات سبکی موجب گردید که بررسی‌های بینامتنی بسیار مورد اقبال اندیشمندان عرصه‌ی بلاغت و نقد ادبی قرار بگیرد. دانش ادبیات تطبیقی در کنار نظریه‌ی بینامتنیت یا تناس قرار گرفت و به این جریان کمک بسیاری نمود. «ادبیات تطبیقی یکی از دانش‌های تطبیقی است که می‌تواند ارتباط نزدیکی با بینامتنیت داشته‌باشد. تقریباً هم‌زمان با بینامتنیت، ادبیات تطبیقی نیز با تفاوت‌هایی اساسی به‌عنوان یک رشته‌ی درسی مطرح شد و صاحب‌نظران این عرصه به تأثیر و تأثر متقابل متون ادبی پرداختند» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۶).

بی‌شک پس از قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم (ص) سخنان امیر ملک بیان که در نهج‌البلاغه، غرر الحکم و... گرد آمده الهام‌بخش بسیاری از ادیبان، شاعران و اندیشمندان با سلایق گوناگون بوده و صاحبان قلم خواه به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این اقیانوس پهناور و ژرف قرار گرفته‌اند، چرا که «این کلام چشمه‌ای زلال و ثروت فکری و توانی علمی برای نویسندگان زبان عربی و علاقه‌مندان به آن در قدیم و جدید است. نویسندگان از زبان آن سیراب می‌گردند و از معانی درخشان و مبانی استوارش مطالبی را می‌آموزند که به هنرشان استحکام و به آثار زبانی و ادبی و فکری آن‌ها غنا می‌بخشد» (امینی، ۱۳۹۲: ۳۴) و بی‌شک حصول به این محاسن کلام با استعانت از این منبع نور، گنجینه‌ای است که هر ادیبی به‌سادگی از آن چشم نمی‌پوشد. در عرصه شعر عربی و فارسی این تأثیر را در قرن‌های مختلف در شعر شاعران سترگی مانند ابونواس، ابوتمام، ابوالعتاهیه، متنبی، ابوالفتح بستی، فردوسی، مولوی، حافظ و... می‌بینیم.

صفی‌الدین حلی شاعر عصر مملوکی و ابن یمین فریومدی شاعر عهد ایلخانی هر دو متأثر از فرهنگ اسلامی و کلام دینی بوده و در آثار خویش به این مسأله اشاره داشته‌اند؛ همچنین هر دو شاعر قصائد زیبایی در ستایش مولای پارسایان سروده‌اند و به ایشان عرض ارادت داشته‌اند.

ما در این پژوهش با هدف واکاوی تطبیقی تأثیر کلام علوی در شعر ابن یمین فریومدی و صفی‌الدین حلی نگاهی به نظریه‌ی بینامتنیت ژنت داشته و نوع بینامتنی اشعار آن دو را با کلام آن امام همام همراه با گونه‌های مختلف تأثیرپذیری تشریح نمودیم.

پیشینه‌ی پژوهش

در حوزه‌ی بررسی تأثیرپذیری از آیات وحی و کلام حضرت امیر (ع) در آثار این دو شاعر گران‌قدر آثاری چند به نگارش درآمده‌است که هر کدام از آن‌ها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند

اما تاکنون به صورت تطبیقی و تحت این نظریه کاری انجام نپذیرفته‌است. از جمله آثاری که می‌توان به آن‌ها اشاره داشت می‌توان به مقاله‌ی «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلی و قرآن کریم» (۱۳۹۲) از علی اصغر حبیبی، «تجلی قرآن کریم در شعر صفی‌الدین حلی» (۱۳۹۳) از دکتر علی خضری، «ریشه‌یابی مضامین شیعی در شعر صفی‌الدین الحلی» (۱۴۰۲) از علی صیادانی، «ابن یمین فریومدی و تاثیر قرآن و حدیث در دیوان او» (۱۳۸۰) از علی محمد موذنی، «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر ابن یمین فریومدی» (۱۳۹۲) از جواد رنجبر و سجاد عربی و... اشاره کرد.

پرسش‌های پژوهش

- مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به آن هستیم این است که؛
 ۱. برجسته‌ترین مضامین اخلاقی علوی مشترک که در اشعار دو شاعر مورد اشاره قرار گرفته کدام است؟
۲. بیش‌ترین تاثیرپذیری اخلاقی این دو ادیب از احادیث امام (ع) در کدام نوع بینامتنی ژنتی تجلی یافته‌است؟

مبانی نظری

بینامتنیت

بینامتنی نظریه‌ای است که در آن درباره‌ی تداخل و درهم‌تنیدگی متون بحث می‌شود. شروع بینامتنیت را از دوره‌ی ساختارگرایی باز^۱ که -به بررسی دلالت‌های یک متن خارج از چهارچوب آن توجه می‌شد- دانسته‌اند اما بعد از عبور از این دوره و در دوره‌ی پس‌اساختارگرایی یک متن با توجه به بافت اجتماعی و گفتمانی مورد بررسی قرار می‌گرفت. در ادبیات غرب این نظریه توسط چندین نفر مطرح شد. یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان عرصه‌ی بینامتنیت ژرارڈ ژنت است که نظرات وی در حوزه‌های روایت‌شناسی، زیبایی‌شناسی و ترامتنیت از مراجع مهم و کلیدی به‌شمار می‌رود. آن‌چه نظریه‌ی ترامتنیت او را از آرای افرادی چون کریستوا، ژنی و ریفاتر متمایز می‌سازد کلان بودن و جامعیت بخشیدن او به این نظریه است.

این رویکرد سعی دارد توضیح روشنی در خصوص چگونگی ارتباطات عینی یک متن با متون دیگر ارائه دهد و به بررسی تاثیر و تاثرات متون بر یک‌دیگر متمرکز شود. دسته‌بندی پنج‌گانه او

^۱ دوره‌ی ساختارگرایی بسته دلالت‌های متنی را در دورن خود متن می‌کاوید و در این صورت موضوع درون‌متنی مطرح می‌شد و بنابراین مطالعه‌ی بینامتنیت بعد از آن در دوره‌ی ساختارگرایی باز شکل گرفت.

متشکل از بینامتنیت^۱، پیرامتنیت^۲، فرامتنیت^۳، سرمتنیت^۴ و زیرمتنیت^۵ است (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). بینامتنیت به صورت مستقل مورد بحث آثار ژنت نبوده‌است، بنابراین تا حدودی با دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی روبرو بوده‌است.

ناتالی پیگی-گروس^۶ (نویسنده و منتقد فرانسوی) به تأسی از ژرار ژنت در کتاب خویش «درآمدی بر بینامتنیت» به برخی از مهم‌ترین انواع بینامتنیت یعنی هم‌حضور میان‌متنی می‌پردازد و از چهارگونه روابط هم‌حضور یاد می‌کند که عبارتند از ۱- نقل قول^۷ ۲- ارجاع^۸ ۳- سرقت^۹ ۴- تلمیح (اشاره)^{۱۰} (همان: ۳۹-۴۰).

انواع بینامتنیت ژنت را بر حسب آشکار بودن، پنهان‌کاری تعمدی یا بیان کنایی متون ادبی «در سه نوع (صریح، غیر صریح و ضمنی) تقسیم می‌کنند. با تجمیع دو تقسیم‌بندی فوق باید به این نکته اشاره داشت که «نقل قول و ارجاع، صریح و آشکار هستند، در صورتی که تلمیح و سرقت، ضمنی و پنهان هستند. علت ضمنی بودن تلمیح زیبایی‌شناختی ولی دلیل سرقت پنهان‌کاری است» (همان، ۱۴۰۰: ۶۷). در ادامه به بیان تعاریفی مختصر از هریک از انواع بالا می‌پردازیم.

نقل قول: «اصلی‌ترین و رسمی‌ترین گونه بینامتنیت در این نظریه است. یکی از ویژگی‌هایی که نقل قول را در نظام کلامی از شکل‌های دیگر بینامتنی متمایز می‌کند داشتن علائمی مانند گیومه یا ایتالیک بودن است» (Genette, 1997: 2).

ارجاع: بینامتنی است که در غیاب متن نخست صورت می‌گیرد ارجاع دارای کارایی‌های بسیار است که شاخص‌ترین آن‌ها عبارت است از استانداردسازی، زیبایی‌شناسی، صرفه‌جویی و اقتصاد بیانی (نامور مطلق، ۱۴۰۰: ۴۵ و ۵۳). تفاوت ارجاع و نقل قول در این است که در نقل قول هم‌حضور متن‌ها به صورت مادی، جسمی، عینی و لفظی صورت می‌گیرد، یعنی قطعه‌ای از متن «الف» در متن «ب» دیده می‌شود اما در ارجاع، به واسطه‌ی نشانه‌هایی قراردادی این ارتباط انجام می‌پذیرد؛ یعنی بخشی از متن حضور ندارد، بلکه چیزی غیر از خود متن مانند نام مؤلف یا کتاب واسطه می‌شود. گاهی هم نقل قول و ارجاع با هم حضور پیدا می‌کنند» (همان: ۴۶).

¹ intertextuality

² Paratextuality

³ Metatextuality

⁴ Architextuality

⁵ Hypertextuality

⁶ Nathalie Piégay-Gro

⁷ citation

⁸ reference

⁹ Plagiarism

¹⁰ Allusion

سرقت: به پنهان کاری روابط بینامتنی اطلاق می‌شود (نامور مطلق، ۱۴۰۰: ۵۶). «اما درباره‌ی شبه سرقت که شرایط و ویژگی‌های سرقت را دارد ولی با آن متفاوت است. یکی از این اشکال «خاطره یا حافظه‌ی پنهان» است. گاهی موضوع و مضمونی به صورت خاطره‌ای پنهان در ذهن یک مؤلف باقی مانده‌است و با ذهنیت وی چنان تلفیق شده که مؤلف در حین خلق اثر نمی‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند یا مفهوم سایه‌نویسی که تالیف یک اثر به اسم شخصی دیگر است (همان: ۵۷).

تلمیح: «تلمیح آن است که متکلم در نظم یا نثر به قصه‌ای معروف، مثلی مشهور و یا شعری اشاره نماید به طوری که معنی مقصود را قوت دهد (شمس العلمای گرکانی، ۱۳۷۷: ۱۶۷). «از نظر ژنت جنبه‌ی سازندگی و تکوینی دارد و به زایش متن‌های تازه نیز کمک می‌کند» (نامور مطلق، ۱۴۰۰: ۶۳). «بینامتنیت در کم‌ترین شکل صریح و لفظی‌اش تلمیح است، یعنی گفته‌ای که نیاز به ذکاوت فراوانی دارد تا ارتباط بین آن و متن دیگری که ضرورتاً بخش‌هایی را به آن برمی‌گرداند، دریافت شود» (Genette, 1997: 8). در «اثرپذیری تلمیحی گوینده سخن خویش را مانند اثرپذیری الهامی- بنیادی بر پلایه‌ی نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما به عمد آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد و به این گونه خواننده‌ای اهل و آشنا را به آن چه خود به آن نظر داشته، راه می‌نماید و چه بسا خواننده‌ای ناآشنا را به کند و کاو و پرس و جو وادارد» (راستگو، ۱۳۹۸: ۵۲). بعد از بیان تعریفی از تلمیح که تحت یکی از شاخه‌های اصلی بینامتنیت ژنت عنوان شده‌است می‌توان گفت «بینامتنیت ضمنی ژنت با دو گونه از آرایه‌های بلاغی منطبق می‌شود. ۱- آرایه‌های متأثر از متون پیشین مانند تلمیح، ارسال المثل و تصویرآفرینی الهامی. ۲- تأثیرپذیری نشانه‌ای؛ که در این نوع نویسنده فقط نشانه‌هایی چون ترجمه و وامگیری را در اثر خود می‌گنجاند و با شیوه‌ی تأثیرپذیری گزارشی مطابقت دارد. در این شیوه عبارت قرآنی یا حدیثی بدون این که مضمون و معنی آن تغییری بپذیرد جامعه‌ی پارسی می‌پوشد» (محبوبی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۶).

صفی‌الدین حلی و ابن‌یمین فریومدی

صفی‌الدین حلی یکی از بزرگترین و مشهورترین شاعران عربی در دوره مملوکی و عثمانی است. «ابوالمحاسن عبدالعزیز (۶۷۷-۷۵۰ یا ۷۵۲) فرزند سرایا با لقب صفی‌الدین و با شهرت صفی الحلی، از شعرای بلند مرتبه‌ی شیعه و متبحر در کلیه‌ی فنون شعری عرب در قرن هشتم هجری است. او در حله‌ی عراق چشم به جهان گشود. در محیط فرهنگی و ادب‌پرور حله به تحصیل شعر و ادب پرداخت پس از آن به کار تجارت اشتغال یافت. (صدر و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۶۲). شعر صفی‌الدین «با داشتن بافت محکم، الفاظ اصیل، معانی رقیق، انسجام، سلاست و اسلوب نغز، ممتاز است. او با محافظت بر مزایای معنوی به محسنات لفظی نیز پرداخته‌است و از این رو در همه‌ی فنون شعر پیشرو شناخته شده و خود یکی از پیشروان ادب به شمار می‌رود» (حکیمی، ۱۳۷۹: ۱۵۴). «وی در

بهره‌گیری از انواع بدیع و بازی با الفاظ بسیار افراط نموده‌است و نمونه‌ی بارز این ادعا قصیده‌ی بلند "الکافیة البدیعیة فی المدائح النبویة" است که در آن از انواع محسنات لفظی و معنوی بهره جسته و پیشگام فنی جدید در ادب عربی به نام «بدیعیات» است. برجسته‌ترین نکته‌ای که در شعر صفی‌الدین دیده می‌شود این است که به بهترین وجه، روزگار خودش را به تصویر می‌کشد، همان‌گونه که در تلاش بود تا بر میراث عربی کهن در زمینه قلب‌ریزی مفاهیم و به نظم کشیدن غرض‌های گوناگونش اعتماد کند» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷۱).

ابن‌یمین فریومدی هم یکی از شعرای معروف ایران در قرن هشتم هجری است. «پدرش امیر یمین الدین طغرای چنان‌که دولتشاه گفته مردی فاضل و اصل او ترک بود و به روزگار سلطان محمد خدا بنده در قصبه‌ی فریومد اسباب و املاک خریده و همان‌جا ساکن شد» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۵۲-۹۵۱). «ابن یمین در اوایل خواجه علاء‌الدین محمد و برادر او خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد. بعد از ظهور سربداران با علاء‌الدین محمد به گرگان رفت و طغا تیمور حکمران آن ولایت را مدح نمود» (اسدی زاده و همکاران، ۱۳۴۵: ۳۰). سال‌های نخستین زندگی او در خراسان و سال‌های جوانی او در تبریز گذشت. «قسمت پایانی عمر او در سبزوار و فریومد به قناعت سپری شد. سخن او برخلاف بسیاری از معاصرانش روان و منسجم و خالی از هرگونه تکلف، خودنمایی و علم‌فروشی و به تمام معنی دنباله‌ی سبک ساده‌گویان خراسانی است» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۵۶). «برخی از بهترین قصاید او در مدح و نعت علی بن ابی طالب و فرزندان اوست شهرت و اهمیت ابن یمین بیشتر به سبب قطعات معروف اوست که مشتمل بر مضامین اخلاقی و اجتماعی است و غالباً در ابیاتی روان و بی‌تکلف خوانندگان را به کار و کوشش و قناعت و استقلال ترغیب، و به پرهیز از طمع و زیاده‌طلبی و صیانت نفس از ذلت و خواری دعوت می‌کند» (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۹۲۶).

واکاوی تطبیقی تأثیر کلام علوی در شعر حلی و فریومدی

در ادامه‌ی بحث به مهم‌ترین مضامین اخلاقی مشترک متأثر از سخنان امام علی (ع) در شعر دو شاعر بر پایه‌ی نظریه‌ی ژنت خواهیم پرداخت.

تأثیر صبر بر مصیبت‌ها

متن حاضر

لِإِنْ تَلَمَّتْ حَدْيِ صُرُوفُ النَّوَابِ فَقَدْ أَخْلَصَتْ سَبْكِ بِنَارِ التَّجَارِبِ

(الحلی، ۱۹۸۳: ۱۳)

ترجمه: اگر حوادث روزگار، لبه‌ی شمشیر مرا بشکند، [جای ناامیدی نیست]؛ زیرا روزگار با آتش تجربه‌هایش، قالب وجود مرا به بهترین شکل خواهد ریخت.

هر که در محنتی گرفتارست صبر، او را نکوترین کار است
 ز انتظار ار چه باشدش سوزی سهل باشد که عاقبت روزی
 یا قدم در راه مراد نهد یا از آن انتظار باز رهد
 امتحان کرده‌ایم و دانسته به صبوری گشاده شد بسته
 (فریومدی، ۱۳۴۴: ۶۰۰)

متن غایب

امام علی (ع) در باب اهمیت صبر فرمودند: «إِذَا صَبَرْتَ لِلْمُحَنَّةِ فَلَلْتَ حَدَّهَا»؛ هنگامی که برای اندوه و مصیبتی صبر کردی تیزی آن محنت را کند کرده‌ای (الآمدی، ۱۹۹۰: ۷۴۹).

فرآیند بینامتنی: وقتی مصیبت و گرفتاری بر انسان وارد می‌شود خداوند بلندمرتبه نیز قدرت تحمل و صبر را بر او نازل می‌کند. شاعر عرب‌زبان با شجاعتی مثال‌زدنی به مصاف مصیبت‌ها رفته و از آن‌ها نمی‌هراسد. او جان خویش را به تکه آهنی تشبیه کرده که در کوره‌ی حوادث روزگار، پتک صبر آن را به بهترین صورت شکل می‌دهد. فریومدی نیز صبر را در مواجهه با حوادث سخت بهترین کارها دانسته که نجات‌بخش و گشاینده‌ی امور است. طبق نظریه‌ی ژنت در این مورد با بینامتنیت ضمنی روبرو هستیم. در حدیث حضرت امیر (ع) سختی‌ها به یک شیء تیز و برنده همانند شده که صبر کُندکننده‌ی آن است. در شعر حلی به یک قالب و در کلام ابن‌یمین مانند یک شاه‌کلید عمل کرده‌است. نوع تاثیرپذیری از کلام علوی در شعر دو شاعر از نوع الهامی- بنیادی است.

اهل احسان بودن

متن حاضر

قَلَّائِدُ أَغْنَاكِ الرِّجَالِ هِبَائُهُ تَرَى النَّاسَ مِنْهَا كَالْحَمَامِ الْمَطْوُوقِ
 (الحلی، ۱۹۸۳: ۷۴۵)

ترجمه: حلقه‌های احسان بر گردن مردم از بخشش‌های اوست و مردم را در آن حالت مانند کبوتران زیبای طوق‌دار می‌پنداری.

مقصود شاعر عرب از این بیت، اثبات اطاعت و فرمانبرداری مردم از ممدوحش است که با جود و بخشش و احسان خود توانسته‌است آن‌ها را به بندگی کشد.

اهل زمانه یکسره گر مرد و گر زنند ز احسان تو شدند عبید و امای تو
 (فریومدی، ۱۳۴۴: ۱۵۱)

متن غایب

حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: «الانسان عبدُ الإحسان»؛ انسان بنده احسان و نیکی است (الآمدی، ۱۹۹۰: ۲۶۳).

فرآیند بینامتنی: نیکی و احسان دل انسان‌ها را نسبت به هم نرم و حس نودوستی را در جان آدمی می‌پرورد، از این رو این نرمش به تعبیر امام (ع) مانند بندگی است. این تعبیر زیبا در شعر شاعر عرب و پارسی‌گوی نیز به چشم می‌خورد. طبق نظریه‌ی ژنت نوع بینامتنی در این جا ضمنی است. در شعر صفی الدین اثرگذاری از نوع تصویری است. «دراثرپذیری تصویری شاعر تصویر خویش را از قرآن و حدیث وام می‌گیرد. مراد از تصویر نقش‌آفرینی‌ها، سیماسازی‌ها، نگاره‌پردازی‌ها و چهره‌بخشی‌های شاعرانه‌ای است که سخنور با خامه‌ی خیال بر صفحه‌ی سخن می‌نگارد و می‌پردازد و حاصل آن همان است که در زبان ادب تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تجسیم، تشخیص و به‌طور کلی ایماژ خوانده می‌شود» (راستگو، ۱۳۷۶: ۶۱). در کلام امام (ع) از تعبیر «عبد» و در شعر فریومدی از واژه‌ی «عبید» استفاده شده که عبید جمع عبد و برای بندگی غیر خدا کاربرد دارد «کلمه عباد مانند کلمه عبید جمع کلمه عبد است با این تفاوت که عباد بیشتر در مورد بندگی خدا و عبید بیشتر در مورد بردگی انسان‌ها استعمال می‌شود و غالباً گفته نمی‌شود عباد فلان شخص، بلکه گفته می‌شود: عبید او» (طباطبایی، ۱۳۷۴/۴۳۵)؛ بنابراین نوع تأثیرپذیری در شعر ابن یمین از نوع گزارشی و به‌صورت ترجمه است.

زهد و بی رغبتی به دنیا

متن حاضر

مَا هَيْتُ بِالْدُّنْيَا، إِذَا هِيَ أَقْبَلْتُ نَحْوِي وَ لَا آسَى، إِذَا لَمْ تُقْبَلْ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۲۵)

ترجمه: هرگاه دنیا به من روی آورد شیدا و سرگشته نمی‌شوم و آن هنگام که به من پشت کند اندوهگین نمی‌شوم.

ابن یمین اگر همه عالم به کام توست
ور ملک کائنات ز دستت برون شود
چون هست و نیست نملند به یک قرار
باید کزان فرح نیفزاید دل تو را
هان تا غمش ز جان رباید دل تو را
آن به کزان به یاد نیاید دل تو را
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۱۳)

گر جهانی ز دست تو برود
عالمی نیز از بدستت افتد
بد و نیک جهان چو بر گذر است
مخور اندوه آن که چیزی نیست
هم مشو شادمان که چیزی نیست
در گذر از جهان که چیزی نیست
(همان: ۳۵۰)

متن غایب

امام علی (ع) فرمود: **الرُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الرُّهْدَ بِطَرْفَيْهِ؛** دو کلمه از قرآن «زهد» را تفسیر کند. خداوند می‌فرماید: «تا بر آن چه از دست داده‌اید تأسّف مخورید و بدان چه دست یافته‌اید شادمان نگردید» و آن که بر گذشته تأسّف نخورد و بر آن چه دست یافته شادمان نگردد زاهد کامل است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۱).

فرآیند بینامتنی: دل‌بستگی به دنیا و نعمت‌های آن با روح دین اسلام منافات دارد و زهد و کناره‌گیری از آن یکی از مؤکدات دین ماست. در حدیث علی (ع) و در اشعار هر دو شاعر عیناً با همین تعریف از زهدگرایی روبرو می‌شویم و طبق نظریه‌ی ژنت نوع بینامتنیت از نوع ضمنی است. نوع تاثیرپذیری در این بخش در شعر حلی الهامی- بنیادی و در شعر فریومدی گزارشی و از نوع ترجمه است.

تمثیل دنیا

متن حاضر

وَمَنْ يَغْتَرِّ فِي الدُّنْيَا بِعَيْشٍ فَقَدْ طَلَبَ الشَّرَابَ مِنَ السَّرَابِ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۳۸۶)

ترجمه: هرکس فریفته زندگی دنیوی شود از سراب طلب شراب کرده‌است.

سائلی حال جهان را ز یکی کرد سؤال	آن شنیدی که چه فرمود حکیمش به جواب
گفت دنیا و نعیمش چو بیابان و سراب	یا خیالیست که صاحب‌نظرش دید به خواب
خواب را مردم بیدار دل اصلی ننهند	نشود اهل خرد غره به تمویج سراب

(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۲۱)

متن غایب

امام (ع) این چنین فرمود: **«إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَ تَنْقَشِعُ كَمَا يَنْقَشِعُ السَّحَابُ»؛** دنیا، در حقیقت، بر خورداری چند روزه‌ای اندک است. سپس، هم چون سراب از میان می‌رود و به‌سان ابر، پراکنده می‌شود (اللیثی الواسطی، ۱۳۸۷: ۱۷۸). در جای دیگری فرمود: **الدُّنْيَا حُلْمٌ وَ الْاِغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ؛** دنیا خواب است و مغرور شدن به آن مایه‌ی پشیمانی است (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۳۷۴).

فرآیند بینامتنی: یکی از زیباترین و لطیف‌ترین تشبیهات آن امام بزرگوار نسبت به دنیا سراب بودن و خواب بودن آن است که در شعر دو شاعر نیز دیده می‌شود. ملا احمد نراقی نیز در کتاب

معراج السعاده از دنیا تعبیر به خیالات در عالم خواب دارد و می‌گوید: «در خصوص این‌که او را (دنیا) هیچ حقیقتی نیست و اصلی ندارد، بلکه وهم و خیال محض است و در این خصوص، آن را تشبیه کرده‌اند به خیالاتی که آدمی آن را در خواب می‌بیند و چون بیدار می‌شود اصلاً از آن اثری نیست» (نراقی، ۱۳۲۶ ش: ۱۶۸). شاعر عرب خود را در برابر حوادث تلخ و شیرین دنیا شیدا یا غمگین نمی‌داند. فریومدی نیز این هشدار را به خود می‌دهد که اقبال و ادبار دنیا در حالش نباید دگرگونی ایجاد کند. شاعر عرب از دنیا تعبیر به یک جام شراب وهمی و شاعر ایرانی تشبیه به سراب و خیال کرده‌است، پس می‌توان گفت در این‌جا نیز نوع بینامتنی ضمنی است. نوع تاثیرپذیری از نوع چند سوبه‌ی واژگانی و تصویری است. منظور از چندسوبه جمع چند نوع تاثیرپذیری در یک شاهد مثال است که غالباً می‌توان گفت اثرپذیری‌های واژگانی، تلمیحی و الهامی - بنیادی در بیشتر ابیات در کنار هم دیده می‌شود.

رضایت به تقدیر و حکمت خداوندی

متن حاضر

إِذَا الْقَضَاءُ جَرَى بِأَمْرِ نَافِذٍ، غَلِطَ الطَّبِيبُ وَ أَخْطَأَ التَّدْبِيرُ

(الحلی، ۱۹۸۳: ۳۸۵)

ترجمه: و آن‌گاه که روزگار بر امری حتمی جریان یابد طبیب دچار اشتباه می‌شود و چاره‌اندیشی و تدبیر به خطا می‌رود.

نادر افتد متفق تدبیر با تقدیر حق چون اجل آمد دم عیسی مریم هیچ نیست

(فریومدی، ۱۳۴۴: ۲۳)

متن غایب

نخستین امام معصوم در این مورد فرمود: «الْأُمُورُ بِالتَّقْدِيرِ لَا بِالتَّدْبِيرِ»؛ کارها به تقدیر است نه به تدبیر (محمدری شهری، ۱۳۷۷، ج ۳۰۶: ۹). در جای دیگر فرمود: «تَذِلُّ الْأُمُورُ لِلْمَقَادِيرِ، حَتَّى يَكُونَ الْحُتْفُ فِي التَّدْبِيرِ»؛ کارها چنان در سیطره تقدیر است که چاره‌اندیشی به مرگ می‌انجامد (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶).

فرآیند بینامتنی: در میان آیات قرآن و روایات متعدد معصومین به اصل رضایت به تقدیر خداوندی در همه‌ی امور تأکید شده‌است. تدبیر و چاره‌اندیشی انسان در طول قضا و قدر الهی باید لحاظ شود. «شک نیست که منظور امام (ع) از بیان این‌گونه کلمات این نیست که انسان دست از تدبیر و تلاش و کوشش برای رسیدن به مقاصد مشروع و مطلوب بردارد و همه چیز را به مقدرات بسپارد بلکه منظور این است که ضمن هرگونه تلاش و کوشش مراقب باشد که ماوراء نقشه و تدبیر او نقشه و تدبیر کس دیگری است، از او غافل نگردد، دل به او بندد و پیروزی‌ها را از او بطلبد» (مکارم

شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۵/ ۶۱۰). در این مورد نیز نوع بینامتنی ضمنی است. نوع تاثیرپذیری در شعر حلی از نوع الهامی-بنیادی و در شعر فریومدی از نوع تلمیحی است.

عاقبت‌اندیشی

متن حاضر

وَأُخِرَ النَّاسُ مَنْ لَوْ مَاتَ مِنْ ظَمًا، لَا يَقْرُبُ الْوَرْدَ حَتَّى يَعْرِفَ الصَّادِرَ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۶۹)

دوران‌دیش‌ترین مردم کسی است که اگر از شدت تشنگی بمیرد به آب‌شخور نزدیک نمی‌گردد مگر اینکه خروجی آن را بداند.

اول ببین مواقع اقدام خویش‌تن در نه قدم از آن پس و با احتیاط باش
خواهی که بی‌درنگ بمقصود خود رسی پیوسته مستقیم رو و بر صراط باش
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۴۳۷)

متن غایب

مولای متقیان فرمود: «تَدَكَّرْ قَبْلَ الْوَرْدِ الصَّادِرِ»؛ قبل از این که (به جایی برای تهیه آب و ...) داخل شوی به فکر بازگشت (از آنجا) باش (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۲۰/ ۳۴۱). در جای دیگری فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَائِبِ»؛ آگاه باشید هرکس بدون عاقبت‌اندیشی در کارها دست به کاری زند، خود را گرفتار نگرانی‌های سنگین ساخته‌است (الآمدی، ۱۹۹۰: ۱۷۸).

فرآیند بینامتنی: تدبیر و عاقبت‌اندیشی از علل موفقیت در امور است. در حدیث امام علی (ع) و شعر صفی‌الدین به‌صورت نمادین از احتیاط در ورود و خروج به چشمه سخن گفته شده‌است. شاعر فارسی زبان در یک بیان کلی دوران‌دیشی را منحصر در تمثیل آب و چشمه نکرده و لازمه‌ی رسیدن به مقصود را رفتن به صراط مستقیم ذکر نموده‌است. تاثیرپذیری شاعر عرب از کلام امیر بیان از نوع گزاره‌ای و از نوع حل و تحلیل است. «گاهی تنگنای وزن و قافیه از یک سو و اشتیاق به اقتباس از سویی دیگر گوینده را وادار می‌دارد تا برای آذین‌بندی سخن خویش به آیه و حدیث، بیش از پیش آن‌ها را دستکاری کند و چه بسا ساختار اصلی آن‌ها را از هم بپاشد که به این کار حلّ می‌گویند» (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۴). تاثیرپذیری شاعر پارسی‌سرا از حدیث دوم از نوع عکسی است. «در اثرپذیری عکسی، گویی نویسنده یا شاعر در مقابل اثر نویسنده‌ای دیگر- در ادبیات ملتی دیگر- مقاومت نموده و از این مقاومت اثر خود را که عکس اثر اول است پدید می‌آورد» (غنیمی، ۲۰۰۸: ۱۸). حضرت علی (ع) به‌گونه‌ای هشداردهنده افراد را متوجه عاقبت‌اندیشی در امور کرده و فریومدی با حالتی موعظه‌گونه و با یک راهکار این کار را توصیه کرده‌اند. ابن‌یمین در تاثیرپذیری از حدیث مولای

متقیان قصد مقاومت نداشته ولی این کار به نوعی برجسته سازی حدیث امام (ع) نیز محسوب می شود.

بلندهمتی

متن حاضر

مَادَامَ وَعْدُ الْأَمَانِي غَيْرَ مُنْتَجَزٍ فَطُولُ مَكْثِكَ مَنَسُوبٌ إِلَى الْعَجْزِ
هَذِي الْمَغَانِمُ فَاْمُدُّ كَفَّ مُنْتَهَبٍ وَ فُرْصَةُ الدَّهْرِ، فَالسَّبْقُ سَبْقُ مُنْتَهَبٍ
وَ كُلُّ ذِي صَمَمٍ فِي كَفِّ ذِي هِمَمٍ وَ كُلُّ ذِي مَيْسٍ فِي كَفِّ ذِي مَيْزٍ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۵۶)

تا زمانی که وعده‌ی آرزوها غیر قابل انجام است طول درنگ تو به ناتوانی تو منسوب می شود. این ها غنائم است. پس دست غارت کننده را یاری کن و این فرصت روزگار است، پس پیشی بگیر، پیشی جستن غنیمت جوینده؛ و همه نیزه ها در دستان بلند همتان است و همه ی نیزه ها در دستان برترین هاست.

عَلَى أَنْ لِي عَزْمًا، إِذَا زُمْتُ مَطْلَبًا رَأَيْتُ السَّمَاءَ أَدْنَى إِلَيَّ مِنَ الْأَرْضِ
(همان: ۳۱)

من دارای اراده ای هستم که هرگاه خواستار چیزی باشم آسمان را به خودم نزدیک تر از زمین می بینم.

أَسْمَانٌ زِيرَ پَایِ خُودِ آرد هَر کِه رَا هَسْتِ هَمْتِ عَالِی
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۵۲۴)
هَمْتِ بَلَنْدِ دَارِ کِه نَزْدِ خُودِ وَ خَلْقِ بَاشَدِ بِه قَدْرِ هَمْتِ تُو اَعْتِبَارِ تُو
(همان: ۵۰۲)

متن غایب

امام علی (ع) در حدیثی فرمود: «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»؛ اندازه هر کس به اندازه همت او است (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷: ج ۸: ۶۱۱). در جای دیگری فرمود: «الشَّرَفُ بِالْهِمَمِ الْعَالِيَةِ لَا بِالرَّمَمِ الْبَالِيَةِ»؛ شرافت به همت های بلند است نه به استخوان های پوسیده (اللیثی واسطی، ۱۳۸۷: ۶۰).

فرآیند بینامتنی: «همت از کلمه‌ی (هم) گرفته شده و به معنای توجه انسان به یک هدف و مقصد مهم است؛ به گونه‌ای که برای رسیدن به آن تلاش کند و متحمل رنج شود. چنین شخصی تا به نتیجه نرسد، لحظه‌ای از آن غافل نمی شود و همواره به خاطر نرسیدن به مقصود و مطلوب خود دچار غصه و اندوه است» (جویباری، ۱۳۹۰: ۱۲۱). به همین جهت، هم را به معنای ملازم آن یعنی حزن

هم دانسته‌اند و گفته‌اند: همّ حزنی است که بر اثر آن بدن ذوب و نحیف و لاغر می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۵). بلند همتی در اشعار هر دو شاعر آن قدر مهم جلوه می‌کند که شاعر عرب درنگ انسان را در برابر آرزو نشانه‌ی ضعف آدمی می‌شمارد و از او می‌خواهد که از روزگار پیشی جوید و فرصت‌ها را صید کند. شاعر در جایی دیگر بلند همتی خود را تا آن جا می‌بیند که آسمان را از زمین نزدیک‌تر می‌یابد. شاعر ایرانی هم همت هر کس را مایه‌ی ارج و آبرومندی او می‌شناسد. او آسمان را زیر پای عالی همتان می‌داند و بلند همت را آبرومند در نزد خدا و مردم معرفی می‌کند. نوع بینامتنی ضمنی است. نوع تاثیرپذیری از نوع الهامی - بنیادی است، اما بیت انتهایی از ابن‌یمین با حدیث دوم حضرت از نوع گزارشی و ترجمه است.

ذلت ناپذیری

متن حاضر

إِنَّمَا الدُّلُّ فِي سُؤَالِكَ لِنَا س، وَ لَوْ فِي سُؤَالِ أَيْنَ الطَّرِيقُ؟
(الحلی، ۱۹۸۳: ۶۵۲)

پرسش تو از مردم مایه‌ی ذلت توست و لو این که از مردم درباره راه بپرسی.
آنکس بود عزیزتر اندر جهان که او نفس عزیز را ندهد خواری سؤال
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۶۲۱)

متن غایب

علی (ع) فرمود: «أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ ذَنْبَةٍ وَ إِنَّ سَأَلْتَكَ إِلَى رَغْبَةٍ، فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»؛ خویشتن را به هیچ پستی و زبونی آلوده مکن، هر چند تو را به خواسته‌ات برساند؛ زیرا هیچ چیز جبران آن چه را در این راه از دست می‌دهی نمی‌کند و بنده دیگری مباش، که خداوند تو را آزاد آفریده است (الآمدی، ۱۹۹۰: ۱۴۴).

فرآیند بینامتنی: در مسیر برآورده ساختن نیازها بی‌شک انسان باید بخشی از آبروی خویش را هزینه کند. به تعبیر امیر کلام، رسیدن به خواسته‌های مادی آن قدر ارزشمند نیست که او سرمایه‌ی معنوی خود را که عزت و آبرویش است را به حراج گذارد. صفی‌الدین نیز از مردم می‌خواهد به منظور خوار نشدن حتی درباره‌ی مسیر از یک‌دیگر پرسش نکنند. فریومدی نیز عزت انسان را در عدم درخواست از دیگران می‌داند. نوع بینامتنی ضمنی و نوع تاثیرپذیری الهامی - بنیادی است.

هماهنگی گفتار با عمل

متن حاضر

أَحْسَنْتُمْ الْقَوْلَ لِي وَعَدًّا وَ تَكْرِمَةً، لَا يَصْدُقُ الْقَوْلُ حَتَّى يَصْدُرَ الْعَمَلُ

(الحلی، ۱۹۸۳: ۴۱۶)

مرا سخن نیک گفتید در وعده دادن و بزرگداشت، سخن راست نمی‌شود تا این‌که عمل از آن بیرون آید.

نیست بی‌علم و عمل هیچ‌کسی را مقدار
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۴۲۴)

شرف مرد به علم است و کرامت به سجود

بهر یاران نو ز یاران کهن
کار کرده نمیشود به سخن
(همان: ۴۹۸)

باوفا باش و وصل و فصل مکن
در عمل کوش و ترک قول بگو

متن غایب

الْعَقْلُ أَنْ تَقُولَ مَا تَعْرِفُ وَ تَعْمَلُ بِمَا تَنْطِقُ بِهِ؛ خرد، آن است که دانسته سخن بگویی و به آن چه می‌گویی عمل کنی (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۵۰۹).

فرآیند بینامتنی: یکی دیگر از مراقبت‌های مربوط به زبان، اثبات راستین بودن گفتار از طریق عمل به آن و به اصطلاح تطابق گفتار با عمل است. حلی صدق در وعده را منوط به هماهنگی گفتار با عمل دانسته‌است و ابن یمین ارزش انسان را به عمل او می‌داند به‌ویژه اگر عمل با علم نیز همراه باشد. از نظر ابن یمین ارزش کار به حرف نیست بلکه به عمل است. حضرت امیر (ع) این امر مهم را نشانه‌ی خردورزی انسان تلقی فرمود. نوع بینامتنی ضمنی و از نوع الهامی- بنیادی است.

ارزشمندی علم

متن حاضر

مَنْ فَاتَهُ الْعِزُّ بِالْأَقْلَامِ أَدْرَكَهُ بِالْبَيْضِ يَقْدَحُ مِنْ أَعْطَافِهَا الشَّرَّاءُ

(الحلی، ۱۹۸۳: ۶۹)

هر که عزتی را که از راه قلم (دانش) به آن رسیده‌است از دست دهد، عزت را با شمشیری به‌دست می‌آورد که از دو طرف آن شراره می‌جهد.

بود گر چه کم زو به نیروی تن
که باشی سرافراز هر انجمن
به محتاج اویند هر مرد و زن

قلم را برتبت فزون دان ز تیغ
قلم کارفرمای گر بایدت
نبینی که از بهر وجه معاش

فرا بیش یکمرد صاحب قلم بیایند صد پهلوان تیغ‌زن
(فریومدی، ۱۳۴۴:۴۹۲)

متن غایب

امام (ع) در حدیثی شریف فرمود: «عُقُولُ الْفُضَّلَاءِ فِي أَطْرَافِ أَقْلَامِهَا»؛ خردهای دانشمندان، در نوک قلم‌های آن‌هاست (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۳۹/۱۰).

فرآیند بینامتنی: حلی علم را مایه‌ی عزت انسان بر می‌شمرد و ابن‌یمین آن را با نیروی تن قیاس کرده و در نهایت پهلوانان را مطیع اهل علم قلمداد کرده‌است. حضرت علی (ع) معیار خرد اندیشمندان را توجه به قلم آنان دانسته‌اند. از نظر بینامتنیت نوع رابطه‌ی ضمنی است و تأثیرپذیری از نوع الهامی- بنیادی است.

پرهیز از حسادت

متن حاضر

لَا بَلَغَ الْحَاسِدُ مَا تَمَنَّى فَقَدْ قَضَى وَجْداً وَ مَاتَ مَنَّا
(الحلی، ۱۹۸۳: ۳۵۷)

حسود به آرزویش نرسید. شادی و توانایی را از دست داد و در میان ما از دنیا رفت.
ای دل آسوده همی‌باش که باکی نبود گر بروی تو حسودی به حسد می‌نگرد
صبر کن بر حسد و حاسد و دلشاد بزی کان بدانش خود از رنج حسد جان نبرد
غم مخور کز حسد آتشکده‌ئی شد دل او که گهی برق زند صاعقه اندر گذرد
آتش ار هیچ نیابد که خورش سازد از آن کارش این است که خون دل خود را بخورد
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۷۰)

متن غایب

امام (ع) درباره‌ی خطر حسادت فرمود: «الْحَسُودُ دَائِمُ السُّقْمِ وَإِنْ كَانَ صَحِيحَ الْجِسْمِ»؛ حسود، همیشه بیمار [و رنجور] است، گرچه جسمش سالم باشد (الآمدی، ۱۹۹۰: ۱۰۸). در جایی دیگر فرمود: «لِلَّهِ دُرُّ الْحَسَدِ مَا أَعْدَلَهُ! بَدْأً بِصَاحِبِهِ فَقَتَلَهُ»؛ آفرین بر حسادت چه عدالت پیشه‌است! پیش از همه صاحب خود را می‌کشد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۱۰۰/۳).

فرآیند بینامتنی: در شعر حلی به ناکامی حسود اشاره شده و در شعر فریومدی یک هشدار اخلاقی به مخاطب خویش می‌دهد که برق حسادت عاقبت صاحب حسد را به هلاکت می‌افکند. ضمن این‌که شاعر با یک تشبیه ضمنی کینه‌ها را چون چوبی دانسته که در آتش حسادت می‌سوزد و شعله بر می‌افروزد تا آن آتش، بقا داشته باشد. در کلام امیرمؤمنان به پریشان‌حالی روحی حسود

اشاره شده و در حدیثی دیگر که با شعر فریومدی قرابت دارد به خاصیت کشندگی آن پرداخته شده است. رابطه‌ی بینامتنی از نوع ضمنی است. نوع تاثیرپذیری از نوع الهامی - بنیادی و در شعر ابن یمین از نوع چندسویه گزارشی (ترجمه) و تصویری نیز می‌تواند باشد.

قناعت

متن حاضر

قِنَاعَةُ الْمَرْءِ بِمَا عِنْدَهُ، مَلِكَةً مَا مِثْلَهَا مَلِكَةً
فَارْضُوا بِمَا قَدْ جَاءَ عَفْوَاً، وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۶۵۲)

قناعت انسان به دارایی خود، ملکی بی‌مانند است. پس نسبت به آن چه به شما بخشیده شده است راضی باشید و با دست خود، خود را به هلاکت و نابودی نیاندازید.

قِنَعْتُ بِالْوُدِّ مِنْهُمْ، إِنَّ الْقِنَاعَةَ مُلْكُ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۴۳۰)

در دوستی با آن‌ها قناعت پیشه کردم. قناعت دارایی است.

متن غایب

کفی بِالْقِنَاعَةِ مُلْکَا ...؛ آدمی را ملک قناعت بس است (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹).

گنج‌ها یافته‌ام در دل ویران ز هنر زآنکه بحرست ضمیرم که سراسر گوهرست
مایل ملک قناعت چو شدم دانستم که هنر هر چه زیادت شود آن دردسرسرست
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۵۳)

رابطه‌ی بینامتنی: در کلام حضرت علی (ع) و در شعر صفی الدین و ابن یمین از قناعت تعبیر به ملک شده است. در شعر حلی از دوستی زیاد، در شعر ابن یمین از افزون شدن هنر با تشبیه بلیغ «ملک قناعت» تعبیر شده است و امام (ع) قناعت را برای انسان در همه‌ی امور کافی می‌داند. رابطه‌ی بینامتنی در اینجا از نوع ضمنی است. تاثیرپذیری هر دو ادیب از کلام حضرت به صورت چند سویه‌ی تلمیحی و واژگانی است.

کنترل زبان

متن حاضر

تَوَقَّ مِنَ النَّاسِ فُحْشَ الْكَلَامِ، فَكُلُّ يَنَالٍ جَنِي عَرَسِهِ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۶۵۲)

عَوْدٌ لِّسَانَكَ قَوْلَ الْخَيْرِ تَنْجُ بِهِ مِنْ زَلَّةِ اللَّفْظِ بَلْ مِنْ زَلَّةِ الْقَدَمِ
(همان: ۶۵۴)

زبان‌ت را از بد زبانی به مردم حفظ کن چراکه هر چیز که کاشته شود همان چیده می‌شود.
زبان‌ت را به گفتن سخن نیک عادت بده که به وسیله‌ی آن (مراقبت) از لغزش گفتار بلکه از لغزش
گام نجات می‌یابی.

تهتک در سخن گفتن زیانست تامل کن تامل کن تامل
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۴۵۵)

عاقل سخن ار چه پیش محرم گوید باید همه نیک گوید و کم گوید
و اندر پس هیچ‌کس نگوید بد از آنک دیوار سخن هم شنود هم گوید
(همان: ۶۶۱)

متن غایب

«عَوْدٌ لِّسَانَكَ حُسْنُ الْكَلَامِ تَأْمِنُ الْمَلَامَ»؛ زبان‌ت را به زیباگویی عادت ده تا از سرزنش در امان بمانی
(الآمدی، ۱۹۹۰: ۴۵۷).

فرآیند بینامتنی: در کلام امیرمؤمنان عادت به زیبا سخن گفتن انسان را از ملامت مصون
می‌دارد. در شعر شاعر عرب لغزش گفتار و اندیشه در گرو بدزبانی دانسته شده‌است و در شعر
فریومدی به اندیشه در سخن گفتن تاکید شده و با یک تمثیل زیبا «دیوار موش دارد، موش هم
گوش دارد» از مخاطب خویش کم‌گویی و نیک‌گویی خواسته شده و از بدگویی پشت سر دیگران بر
حذر داشته شده‌است. رابطه‌ی بینامتنی از نوع ضمنی و تاثیرپذیری از گونه‌ی الهامی- بنیادی است.

تشویق به سکوت

متن حاضر

أُضَامٌ وَلَا أَرَى لِلْقَوْلِ وَجْهًا وَلَيْسَ يَلِيقُ بِي إِلَّا الصُّمُوتُ
إِذَا عَدِمَ الْقَبُولَ إِلَيْكَ شَاكٍ، فَأَبْلُغْ مِنْ تُكَلِّمُهُ السَّكُوتُ
(الحلی، ۱۹۸۳: ۴۳۱)

مورد ستم واقع می‌شوم و چون برای کلام جایگاهی نمی‌بینم فقط سکوت بر من شایسته و
رواست. آن‌گاه که شاکی از تو مورد پذیرش واقع نشود سکوت گویاتر از چیزی است که درباره‌ی آن
سخن بگویی.

بگفتار اگر در فشانند کسی خاموشی به بسیار از آن بهترست
 خردمند خامش بود چون صدف اگر خود درونش پر از گوهرست
 (فریومدی، ۱۳۴۴: ۳۳۵)

متن غایب

امام (ع) در کلامی گوهریار فرمود: «رُبَّ سُكُوتٍ أَبْلَغُ مِنْ كَلَامٍ»؛ چه بسا سکوتی که بلیغ‌تر از کلام است (الآمدی، ۱۹۹۰: ۳۸۲). همچنین در دیوان منسوب به ایشان با بیتی روبرو می‌شویم که مفهومی نزدیک با شعر شاعر ایرانی دارد.

إِنْ كَانَ مِنْ فِضَّةٍ كَلَامُكَ يَا نَفْسُ سُبَّ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ؛
 (عبدالمنعم، بی‌تا: ۳۷)

ترجمه: ای نفس! اگر سخن تو نقره است، سکوت طلاست.

فرآیند بینامتنی: در شعر حلی خاموشی بلیغ‌تر و رساتر از سخن گفتن است، وقتی سخن شأن و جایگاهی نداشته‌باشد. در شعر ابن یمین خاموشی از سخن بسیار بهتر است، هرچند که کلام شخص در و گوهر باشد و با تمثیل صدف و مروارید به ارزش سکوت اشاره شده‌است. حضرت علی (ع) ارزش سکوت را در بعضی از مواضع رساتر از سخن‌گویی دانسته‌اند و در جای دیگر از تعبیر طلا برای سکوت و نقره برای سخن بهره برده‌اند. نوع بینامتنی ضمنی است. نوع تاثیرپذیری در شعر صفی‌الدین از نوع تلمیحی و در شعر ابن‌یمین از نوع تصویری می‌باشد.

رازپوشی

متن حاضر

سِرُّكَ إِنْ صِنْتَهُ بِصَمْتٍ، أَصْلَحَ بَيْنَ الْأَنَامِ شَأْنُكَ
 فَلَا تَفْهَمْ لِإِمْرِي عِيسِرٍ، وَلَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانُكَ
 (الحلی، ۱۹۸۳: ۶۶۰)

هرگاه با سکوت رازت را محفوظ داشتی (همان راز) جایگاهت را در میان مردم اصلاح کرد. درباره رازت با کسی سخن مگوی و به خاطر آن زبانت را به حرکت نینداز.

وَاحِرِزُّ كَلَامِكَ مِنْ خِلِّ تُنَادِيهِ إِنَّ النَّدِيمَ لَمُشْتَقٌّ مِنَ النَّدَمِ
 (همان: ۶۵۴)

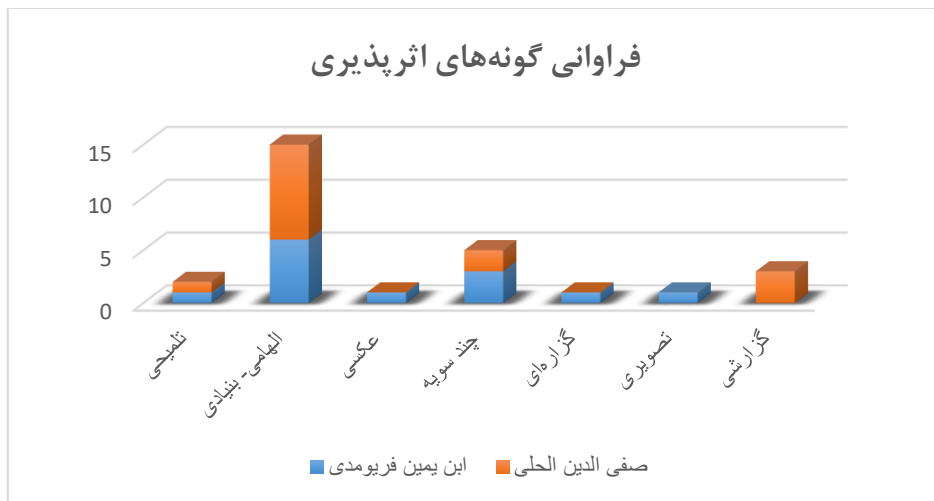
و کلامت را از دوستی که با او هم‌نشین هستی محافظت کن. همانا ندیم (دوست) اشتقاق یافته از ندم (پشیمانی) است.

هر نکته که از گفتن آن بیم گزند است از دشمن و از دوست نهان دار چو جانش
هر گاه که خواهی بتوان گفت و چو گفتی هر وقت که خواهی نتوان گفت نهانش
(فریومدی، ۱۳۴۴: ۴۴۴)

متن غایب

امام علی (ع) فرمود: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْحَيَرَةُ بَيْدَهُ»؛ هر که راز خود را بپوشاند، قدرت انتخاب در دست اوست (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۲).

فرآیند بینامتنی: از جمله امور مربوط به زبان، رازداری است. صفی‌الدین معتقد است انسان رازدار در میان مردم از اعتبار و احترام بیشتری برخوردار است. ابن‌یمین نیز پنهان داشتن راز را مختص به دشمنان نمی‌داند و دوستان را نیز در این امر شریک می‌داند. مولای متقیان رازپوشی را ضامن انتخاب آدمی بر شمرده‌اند. نوع بینامتنی از نوع ضمنی است و نوع اثرپذیری از نوع الهامی-بنیادی است.



نتیجه

ادبیات تطبیقی و نظریه‌ی بینامتنیت به لحاظ پیدایش، رشد و پویایی تقریباً پا به پای هم حرکت کرده‌اند، اما قدمت علم اخلاق به اندازه‌ی عمر بشریت است؛ بنابراین نگرستن به مقوله‌ی اخلاق و بحث پیرامون آن در چارچوب ادبیات تطبیقی و نظریه‌ی نورسته‌ی بینامتنیت کاری دشوار و مصداق بارز بحر در کوزه جای دادن است. در این پژوهش، وجوه مشترک مضامین اخلاقی علوی در یک بررسی تطبیقی در شعر دو شاعر عرب و فارسی‌زبان صفی‌الدین الحلی و ابن‌یمین فریومدی بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت ژرارڈ ژنت مورد بررسی قرار گرفت؛ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است

که در اکثر مضامین مهم اخلاقی از جمله صبر، زهدگرایی، رضایت به تقدیر خداوندی، سکوت، قناعت، رازپوشی و ... مشترکات بسیاری در اشعار آن دو با احادیث علوی وجود دارد. در تطبیق گزاره‌های اخلاقی دو شاعر مذکور با سخنان حضرت امیر (ع) از میان انواع بینامتنیت ژنت با نوع ضمنی آن روبرو هستیم. به لحاظ نوع تاثیرپذیری اشعار از کلام شریف علوی با انواع گوناگونی از بینامتنی چون واژگانی، گزاره‌ای، تصویری، گزارشی، تلمیحی، الهامی - بنیادی، چند سویه و ... مواجه هستیم و در این میان اثرپذیری الهامی - بنیادی، از بسامد بیشتری برخوردار است.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (بی تا). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. اسدی زاده، پرویز و همکاران. (۱۳۴۵ش). دائرة المعارف یا فرهنگ دانش و هنر. تهران: چاپخانه سرعت. امینی، محمد هادی. (۱۳۹۲ش). تجلی نهج البلاغه در ادبیات عرب (ترجمه سید مهدی نوری کیزقانی و سید مرتضی حسینی). تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- آن، گراهام. (۱۳۸۰). بینامتنیت (مترجم: پیام یزدانجو). چاپ اول. تهران: مرکز. الآمدی، عبدالله بن محمد. (۱۹۹۰م). غرر الحکم و درر الکلم (تحقیق: مهدی رجایی، مصحح). چاپ دوم. قم: دارالکتب الاسلامی.
- بهمنیار، احمد. (۱۳۲۸). «تشبیه، تشبیه تمثیل، تمثیل یا مجاز مرکب». مجله نیما، ۲(۹)، ۳۹۳-۳۹۸. جویباری، محمدرضا و جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۰). سراج منیر. قم: نشر آ. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۷۹ش). ادبیات و تعهد در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. خفاجی، محمد عبدالمنعم. (بی تا). دیوان الإمام علی (ع). بی جا: دار ابن زیدون. راستگو، سید محمد. (۱۳۷۶). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (تصحیح: صفوان عدنان داوودی). چاپ اول. بیروت: دارالشامیه.
- شریف رضی. (۱۳۸۴). نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی). چاپ اول. قم: انتشارات امامت. شمس العلمای گرکانی، محمدحسین. (۱۳۷۷). ابداع البدایع. چاپ اول. تبریز: احراز. صدر حاج سیدجواد، احمد، خرمشاهی، بهاء الدین و فانی، کامران. (۱۳۸۳). دائرة المعارف تشیع. تهران: شهید سعید محبی.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. چاپ دهم. تهران: فردوس. صفی الدین الحلّی. (۱۹۸۳م). دیوان. بیروت.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. غنیمی هلال، محمد. (۲۰۰۸م). الادب المقارن. الطبعة التاسعة. القاهرة: نهضة مصر.
- فریومدی، ابن یمین. (۱۳۴۴). دیوان اشعار (تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد). تهران: کتابخانه سنائی. قهرمانی، مریم. (۱۳۹۲). ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناختی. چاپ اول. تهران: مؤلف. الیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۸۷). عیون الحکم والمواعظ. تهران: مؤسسه البعثة.

محبوبی‌زاده، بتول، ذاکری، غلامعباس، و ستوده، غلامرضا. (۱۴۰۰). «تأثیرپذیری مضامین اخلاقی اشعار جامی از نهج‌البلاغه بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت». *پژوهش‌نامه علوی*، ۱۲ (۲)، ۹۹-۱۲۸.

<https://doi.org/10.30465/alavi.2022.7605>

محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۷). *میزان‌الحکمه*. چاپ اول. قم: دارالحديث.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *پیام‌امام/امیرالمؤمنین (ع)*. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
موسوی بجنوردی، سید محمدکاظم. (۱۳۶۷). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. چاپ اول. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. چاپ اول. تهران: سخن.
نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «ترامتنیت: روابط یک متن با دیگر متن‌ها». *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، (۵۶)، ۸۳-۹۸.
<https://shorturl.at/Pa1it>

نامور مطلق، بهمن. (۱۴۰۰). *بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم: نظریه‌ها و کاربردها*. چاپ دوم. تهران: سخن.

نراقی، ملا احمد. (۱۳۲۶ش). *معراج السعاده*. تهران: مطبوعات.
هاشمی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *سیری در تاریخ ادبیات عرب: دوره مغول و ترکی*. چاپ اول. تهران: حق‌شناس.
همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۲). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. چاپ بیست‌ویکم. تهران: هما.
Genette, G. (1997). *Palimpsests: Literature in the second degree* (C. Newman & C. Doubinsky, Trans.). Lincoln, NE: University of Nebraska Press.

Transliterated References

- Ibn Abi al-Hadid, 'Abd al-Hamid ibn Hibat Allah. (Bi-ta). *Sharh Nahj al-Balagha*. Qom: Kitabkhana-yi Ayat Allah Mar'ashi Najafi. [in Arabic]
Asadizadeh, Parviz va Hamkaran. (1345sh). *Da'irat al-ma'arif ya Farhang-i Danish va Honar*. Tehran: Chapkhana-yi Sor'at. [in Persian]
Amini, Muhammad Hadi. (1392sh). *Tajalli-yi Nahj al-Balagha dar Adabiyat-i 'Arabi* (Tarjuma-yi Sayyid Mahdi Nuri Keyzqani va Sayyid Murtaza Husayni). Tehran: Bunyad-i Nahj al-Balagha. [in Persian]
Allen, Graham. (1380). *Baynamatniyyat* (Mutarjim: Payam Yazdanju). Chap-i Avval. Tehran: Markaz. [in Persian]
al-Amadi, 'Abd Allah ibn Muhammad. (1990m). *Ghorar al-hikam wa durar al-kalim* (Tashih: Mahdi Rajai, musahhih). Chap-i Dovvom. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [in Arabic]
Bahmanyar, Ahmad. (1328). "Tashbih, Tashbih-i Tamsil, Tamsil ya Majaz-i Murakkab." *Majalla-yi Yaghma*, 2(9), 393-398. [in Persian]
Juybari, Muhammad Reza va Jami'i az Nevisandegan. (1390). *Siraj-i Munir*. Qom: Nashra. [in Persian]
Hakimi, Muhammad Reza. (1379sh). *Adabiyat va Ta'ahhud dar Islam*. Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islami. [in Persian]
Khafaji, Muhammad 'Abd al-Mun'im. (Bi-ta). *Diwan al-Imam 'Ali ('a)*. Bi-ja: Dar Ibn Zaydun. [in Arabic]
Rastgu, Sayyid Muhammad. (1376). *Tajalli-yi Qur'an va Hadith dar Shi'r-i Farsi*. Tehran: Samt. [in Persian]

- Raghib Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1412q). *al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an* (Tas-hih: Safwan 'Adnan Dawudi). Chap-i Avval. Beirut: Dar al-Shamiyya. [in Arabic]
- Sharif Radi. (1384). *Nahj al-Balagha* (Tarjuma: Muhammad Dashti). Chap-i Avval. Qom: Intisharat-i Imam. [in Arabic & Persian]
- Shams al-'Ulama-yi Gorkani, Muhammad Husayn. (1377). *Abda' al-Bada'i'*. Chap-i Avval. Tabriz: Ahrar. [in Persian]
- Sadr Haj Sayyidjavadi, Ahmad, Khurramshahi, Baha' al-Din, va Fani, Kamran. (1383). *Da'irat al-Ma'arif-i Tashayyu'*. Tehran: Shahid Sa'id Mohabbi. [in Persian]
- Safa, Zabih Allah. (1369). *Tarikh-i Adabiyat dar Iran*. Chap-i Dahom. Tehran: Ferdows. [in Persian]
- Safiy al-Din al-Hilli. (1983m). *Diwan*. Beirut. [in Arabic]
- Tabataba'i, Muhammad Husayn. (1374). *Tarjuma-yi Tafsir al-Mizan*. Chap-i Panjom. Qom: Daftar-i Intisharat-i Islami. [in Persian]
- Ghunaymi Hilal, Muhammad. (2008m). *al-Adab al-Muqaran*. al-Taba'a al-Tasi'a. Qahira: Nahdat Misr. [in Arabic]
- Fariyumadi, Ibn Yamin. (1344). *Diwan-i Ash'ar* (Tashih va Ihtimam Husayn 'Ali Bastani Rad). Tehran: Kitabkhana-yi Sana'i. [in Persian]
- Qahramani, Maryam. (1392). *Tarjuma va Tahlil-i Intiqadi-yi Gofteman: Ravish-i Nashanah-shinasi*. Chap-i Avval. Tehran: Mu'allif. [in Persian]
- al-Laythi Wasiti, 'Ali ibn Muhammad. (1387). *'Uyun al-Hikam wa al-Mawa'iz*. Tehran: Mu'assasa-yi al-Ba'tha. [in Arabic]
- Mahbubizadeh, Batul, Zakiri, Ghulam 'Abbas, va Sutuda, Ghulam Reza. (1400). "Ta'sir-paziri-yi Mazamin-i Akhlaqi-yi Ash'ar-i Jami az Nahj al-Balagha bar Asas Baynamatniyyat-i Gerard Genette." *Pajuhesh-nameh-yi 'Alawi*, 12(2), 99–128. [in Persian]
- Muhammadi Rey-Shahri, Muhammad. (1377). *Mizan al-Hikma*. Chap-i Avval. Qom: Dar al-Hadith. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasir. (1386). *Payam-i Imam Amir al-Mu'minin ('a)*. Chap-i Avval. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [in Persian]
- Musavi Bujnirdi, Sayyid Muhammad Kazim. (1367). *Da'irat al-Ma'arif-i Buzurg-i Islami*. Chap-i Avval. Tehran: Markaz-i Da'irat al-Ma'arif-i Buzurg-i Islami. [in Persian]
- Namvar Motlaq, Bahman. (1390). *Dar-Amadi bar Baynamatniyyat: Nazariyaha va Karburdha*. Chap-i Avval. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Namvar Motlaq, Bahman. (1386). "Tramatniyyat: Ravabit-i Yek Matn ba Digar Matnha." *Pajuhesh-nameh-yi 'Ulum-i Insani*, (56), 83–98. [in Persian]
- Namvar Motlaq, Bahman. (1400). *Baynamatniyyat az Sakhtar-gara'i ta Pasamodarnism: Nazariyaha va Karburdha*. Chap-i Dovvom. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Naraqi, Mulla Ahmad. (1326sh). *Mi'raj al-Sa'ada*. Tehran: Matbu'at. [in Persian]
- Hashmlu, Muhammad Reza. (1386). *Siri dar Tarikh-i Adabiyat-i 'Arab: Dowra-yi Mughol va Turki*. Chap-i Avval. Tehran: Haq-Shenas. [in Persian]
- Homa'i, Jalal al-Din. (1382). *Funun-i Balaghat va Sana'at-i Adabi*. Chap-i Bist-o-Yekom. Tehran: Homa. [in Persian]

A Comparative Study of the Reflection of 'Alid Ethical Propositions in the Poetry of Şafi al-Din al-Hilli and Ibn-Yamin Fariumadi (Based on Gerard Genette's Theory of Intertextuality)

Fereshteh Saffari

(PhD Candidate in Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University)

Seyyed Mehdi Nouri Kezqani*

(Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University)

Abstract

The issue of ethics has been one of the most fundamental and important missions of the prophets, especially the last prophet, which has undergone changes over time along with the excellence of human thoughts and has been updated along with the needs of people. Is. Since the beginning of the mission of the Prophet of Islam (PBUH) and with the revelation of the words of revelation, attention has been paid to the foundations of Islamic ethics, and these teachings have also found their way into various literary texts, in such a way that sometimes they are the cornerstones of many valuable educational texts. These verses and hadiths have been valuable. One of the important theories that has taken a special look at the dependence and interference of texts in each other is intertextuality, which has been associated with many controversies and disputes over time. In this research, which was carried out with a descriptive-comparative method, relying on Gerard Genet's theory of intertextuality, we have investigated and analyzed Alevi ethics in the poetry of two Arabic-language and Persian poets, Safi al-Din al-Helli and Ibn Yamin Faryoumdi. The result of this research indicates that both poets were influenced by religious texts and especially the hadiths of Imam Ali (a.s.), and the type of genetic intertextuality in the current research is implicit.

Keywords: adaptation, moral values, Ali's words, poetry, Safi al-Din al-Hilli, Ibn Yamin Fariumadi

Extended Abstract

Introduction

This study examines how 'Alid ethical sayings—especially those attributed to Imam 'Ali—are reflected in the poetry of two major medieval poets: Şafī al-Dīn al-Ḥillī (Arabic; Mamluk era) and Ibn-Yamīn Farīūmadī (Persian; Ilkhanid era). Framed by comparative literature and Gérard Genette's transtextuality (intertextuality) theory, the research situates long-standing ethical discourse within modern critical tools. After surveying prior work on each poet separately, the study identifies a gap: no comparative analysis of both poets under Genette's framework.

Methodology

This study analyzes a bilingual corpus consisting of selected Arabic poems by Ṣafī al-Dīn al-Ḥillī and Persian poems by Ibn-Yamīn Farīumadī that explicitly thematize ethics, reading them through Gérard Genette's transtextuality framework namely intertextuality, paratextuality, metatextuality, hypertextuality, and architextuality while operationalizing, in practice, the intertextual stratum via explicit and implicit signals such as quotation, reference, allusion, and classical plagiarism (i.e., unattributed borrowing), following the subtypes outlined by Natalie Piegay-Gros. The analytic procedure proceeds theme by theme: first, relevant verses are identified in each poet; second, they are aligned with 'Alid source texts (Qur'an-grounded aphorisms, Nahj al-Balāgha, and hadith compilations); third, each relation is classified as explicit (quotation/reference) or implicit (allusion/echo), and further tagged for its dominant mode of influence lexical, propositional, imagistic, translational /reporting, allusive, "inspirational foundational," or a multi-strand blend. Guiding the inquiry are two questions: (RQ1) which 'Alid ethical motifs are jointly recurrent across both poets, and (RQ2) through which Genettean types and subtypes of intertextual relation these ethical resonances most frequently and saliently manifest.

Results

The results of the study show that across the various ethical themes examined, the intertextual relation is most often implicit—that is, based on allusion and echo rather than direct quotation. Only a smaller number of verses contain explicit citations or references. Instead, the dominant form of influence is what may be called inspirational–foundational, where the ethical core of 'Alid sayings is absorbed into the poetic imagination, and frequently also multi-strand, meaning that several layers—lexical, imagistic, and propositional—operate together in a single passage.

The shared 'Alid ethical themes reveal themselves in different but convergent ways in both poets. Patience under trial, for instance, is figured in metaphors of the furnace and the sword's edge dulled by endurance, evoking the implicit wisdom of Imam 'Alī's sayings. Beneficence or iḥsān emerges in the image of generosity as chains or collars binding people in gratitude, with the Arabic verses picturing this explicitly, while the Persian verses echo the maxim "al-insān 'abdu al-iḥsān," showing that kindness subdues hearts. Ascetic restraint, or zuhd, is equally shared, where both poets stress not to exult over gain nor to mourn loss, echoing Nahj al-Balāgha's teaching that equilibrium toward fortune defines the true ascetic. The world itself is often likened to a mirage or a dream: in Arabic poetry it is "seeking drink from a mirage," while in Persian lines it is a shimmering but empty spectacle not to be trusted.

Other themes likewise draw on 'Alid ethical wisdom. Both poets depict the futility of human planning before divine decree, showing that when taqdīr unfolds, tadbīr falters. Prudence and after-thought ('āqibat-andīshī) are illustrated

by metaphors of the spring or watering place, advising caution before action. High aspiration (*himmah* ‘āliya) is celebrated in both traditions: in Arabic, the call to seize opportunities, and in Persian, the link between human dignity before God and the loftiness of one’s aims. Closely related to this is the theme of dignity and avoidance of abasement, where even trivial requests are portrayed as emblems of dishonor. The poets also stress word–deed congruence, insisting that promises must be realized in action, echoing ‘Alid admonitions that knowledge and deed together measure worth.

Knowledge itself is elevated above brute force. Arabic verses contrast lost honor regained by the sword with the higher dignity of the pen, while Persian verses extol the pen as the “employer of heroes,” resonating with traditions that the intellect resides at the pen’s tip. Ethical vigilance extends further to guarding against envy, where the envier is depicted as perpetually ailing or self-consumed by fire. Contentment (*qinā’a*) is rendered as the true kingdom possessed, both poets repeating the notion that the wealth of contentment surpasses worldly rule. The discipline of the tongue is also stressed: sowing good speech ensures safety, while Persian lines warn in proverbial style that “walls have ears.”

Several themes underscore restraint: valued silence is described as more eloquent than speech when no audience is receptive, with Persian imagery comparing silence to pearls hidden in shells and speech as silver contrasted with the gold of silence. Secrecy (*raz-pūshī*) is framed as preservation of agency, warning that even close friends may betray confidences, echoing ‘Alid insistence on the prudence of keeping one’s secrets.

In sum, the distribution of types confirms that implicit intertextuality—through allusion, echo, and thematic convergence—far outweighs direct citation. The most frequent modes of influence are inspirational–foundational, imagistic, lexical/proverbial, and multi-strand combinations. Explicit quotation and simple translation appear only occasionally, and more often in Ibn-Yamīn’s Persian verses. This pattern suggests that the ethical authority of ‘Alid sayings functions less as a set of directly quoted texts and more as a generative reservoir that both poets drew upon creatively to shape their moral vision.

Conclusion

Comparative reading under Genette’s transtextuality shows that both Ṣafī al-Dīn al-Ḥillī and Ibn-Yamīn Farīumadī internalize and refract a shared ‘Alid ethical repertoire—patience, zuhd, contentment, assent to decree, prudence, tongue-keeping, silence, secrecy, dignity, knowledge, and high aspiration—mostly through implicit intertextual relations. While the Arabic corpus often dramatizes ethics via vivid imagery and maxim-like formulations, the Persian corpus tends toward didactic compression and proverbialization, with periodic direct translational echoes. Overall, inspirational–foundational influence is most frequent, confirming that ‘Alid ethics functions less as verbatim source and more

as a generative matrix shaping motifs, diction, and moral stance across languages and literary traditions.